ادامه از صفحه اول

تورم انرژی و چرخش انقباضی فدرال رزرو

کوین وارش اما با دفاع از موضع مستقل بانک مرکزی اعلام کرد که استقلال پولی یک خیابان دوطرفه است و فدرال رزرو اجازه نخواهد داد ماموریت مهار تورم قربانی فشارهای خارج از نهاد شود.

پیش‌بینی افق پولی: بن‌بست ۲ هزار میلیارد دلاری

بر اساس نمودار نقطه‌ای (Dot Plot)، پیام فدرال رزرو به بازارهای جهانی کاملاً انقباضی است:

تداوم افزایش نرخ: ۱۶ عضو از ۱۸ عضو کمیته انتظار حداقل یک نوبت افزایش دیگر را تا پایان سال دارند (احتمالاً ۵۶.۵ درصدی برای نشست اکتبر). نرخ بهره احتمالاً تا محدوده ۴ تا ۴.۲۵ درصد در پایان ۲۰۲۶ بالا رفته و در سال ۲۰۲۷ نیز بالا خواهد ماند. تأخیر در تحقق تورم ۲ درصدی: فدرال رزرو رسماً افق بازگشت تورم به ۲ درصد را از ۲۰۲۸ به سال ۲۰۲۹ به تعویق انداخت و تورم شاخص PCE را ۳.۷۱ درصد برآورد کرد.

بزرگ‌ترین تناقض این استراتژی در بدهی ۳۵ تریلیون دلاری دولت فدرال نهفته است. هر پله صعود نرخ بهره، هزینه بهره سالانه بدهی واشنگتن را به رقم وحشتناک ۲ هزار میلیارد دلار (نزدیک به ۳۸ درصد کل درآمدهای مالیاتی) نزدیک می‌کند. اگر بحران انرژی ناشی از نفت و بنزین تداوم یابد، بانک مرکزی ناگزیر به ادامه این مسیر انقباضی است؛ رویکردی که در نهایت ممکن است فدرال رزرو و خزانه‌داری را به سمت ابزارهایی اضطراری چون «کنترل منحنی بازده» (YCC) و تن دادن به بی‌ثباتی پولی سوق دهد.

پایان رشد فله‌ای در بورس (بخش دوم)

در طرف دیگر معادله، ارزش معاملات نیز پیام مهمی دارد. زمانی که ارزش معاملات خرد از محدوده ۴۰ همت عبور می‌کند و در برخی روزها به حوالی ۵۰ همت می‌رسد، نشان‌دهنده آن است که بازار از نظر نقدشوندگی و مشارکت سرمایه‌گذاران در وضعیت متفاوتی نسبت به دوره رکودی قرار گرفته است. البته بالا بودن ارزش معاملات به تنهایی نشانه صعودی بودن بازار نیست، اما زمانی که با ورود پول، افزایش تعداد نمادهای مثبت و رشد شاخص همراه شود، می‌تواند نشانه‌ای از افزایش عمق تقاضا باشد. با این حال، رشد بازار به احتمال زیاد یکدست نخواهد بود. دوره‌ای که تمام سهم‌ها صرفاً به دلیل حرکت شاخص رشد کنند، نمی‌تواند برای مدت طولانی ادامه داشته باشد. از این مرحله به بعد، بازار به سمت تفکیک سهم‌ها بر اساس سودآوری حرکت خواهد کرد. سهم‌هایی که رشد قیمت آنها از رشد سودشان فاصله زیادی گرفته است، با مقاومت بیشتری مواجه خواهند شد و در مقابل شرکت‌هایی که هنوز رشد سود آنها در قیمت‌ها منعکس نشده، می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. به همین دلیل، استراحت شاخص در محدوده‌های فعلی را نباید الزاماً نشانه پایان روند صعودی تلقی کرد. اتفاقاً اصلاح و استراحت بازار می‌تواند فرصت مناسبی برای اصلاح پرتفوی باشد. سرمایه‌گذار در چنین شرایطی باید از سهم‌هایی که صرفاً بر مبنای روایت، دارایی‌های نهفته یا انتظارات غیرعملیاتی رشد کرده‌اند فاصله بگیرد و وزن شرکت‌هایی را افزایش دهد که رشد سودآوری آنها پشتوانه واقعی‌تری دارد.

از سوی دیگر، نگهداری حجم بالایی از سرمایه به شکل ریال نیز در شرایط فعلی انتخاب کم‌ریسکی نیست. سرمایه‌گذار فقط با ریسک افت قیمت سهام مواجه نیست؛ بلکه کاهش قدرت خرید پول ملی نیز بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری است. اگر نرخ ارز و تورم در مسیر صعودی باقی بمانند، نگهداری نقدینگی ریالی بدون بازده متناسب با تورم به معنای پذیرش کاهش ارزش واقعی سرمایه خواهد بود.

در چنین شرایطی، ترکیب دارایی می‌تواند اهمیت بیشتری از انتخاب یک سهم خاص پیدا کند. برای یک سرمایه‌گذار با افق میان‌مدت و بلندمدت، می‌توان ترکیبی در حدود ۶۰ درصد سهام، ۳۰ درصد طلا و ۱۰ درصد درآمد ثابت و سایر ابزارها را به عنوان یک چارچوب قابل بررسی در نظر گرفت. سهام از رشد سود اسمی شرکت‌ها و افزایش ارزش دارایی‌ها بهره می‌برد، طلا نقش پوشش ریسک کاهش ارزش ریال و شوک‌های ارزی را ایفا می‌کند و بخش درآمد ثابت نیز امکان مدیریت نقدینگی و کاهش نوسان پرتفوی را فراهم می‌کند.

در مجموع، آنچه در حال حاضر در بورس اتفاق می‌افتد را نمی‌توان صرفاً یک موج هیجانی دانست. بخشی از رشد بازار ناشی از ورود نقدینگی و بهبود انتظارات است، اما در پس آن یک عامل بنیادی‌تر نیز وجود دارد: اقتصاد ایران در حال تجربه افزایش مستمر سطح اسمی قیمت‌هاست و بازار سهام نیز دیر یا زود باید خود را با این سطح جدید قیمت‌ها تطبیق دهد.

اگر نرخ ارز همچنان صعودی باشد، نرخ ارز مبادله‌ای در ادامه سال به سمت محدوده‌های بالاتر حرکت کند، سود اسمی شرکت‌ها افزایش یابد و گزارش‌های پنج‌ماهه و شش‌ماهه نیز این رشد سودآوری را تأیید کنند، P/E بازار می‌تواند از محل افزایش سود تعدیل شود و زمینه برای ادامه روند صعودی شاخص فراهم بماند.

بر همین اساس، رسیدن شاخص کل به محدوده بالاتر از ۱۲ میلیون واحد تا پایان سال را نمی‌توان سناریویی دور از ذهن دانست. البته مسیر رسیدن به این سطح احتمالاً مستقیم نخواهد بود و اصلاح‌های مقطعی و چرخش نقدینگی میان صنایع مختلف بخشی از مسیر خواهند بود. اما در اقتصادی که ارزش پول ملی در حال کاهش است، نرخ ارز سقف مشخصی ندارد، سود اسمی شرکت‌ها ظرفیت رشد دارد و ارزش دلاری بازار هنوز فاصله قابل توجهی با سقف‌های تاریخی خود دارد، نمی‌توان صرفاً به دلیل ثبت رکورد ریالی شاخص، بازار را در پایان مسیر صعودی تلقی کرد.

به نظر می‌رسد نیمه دوم سال بیش از آنکه دوره «رشد یکپارچه بازار» باشد، دوره «انتخاب سهم» خواهد بود؛ دوره‌ای که در آن گزارش‌های مالی، نرخ ارز و میزان رشد سود شرکت‌ها تعیین می‌کنند کدام بخش از بازار می‌تواند از موج تورمی و ارزی اقتصاد منتفع شود. در چنین شرایطی، استراحت شاخص می‌تواند فرصت اصلاح سبد باشد، اما نگهداری بخش عمده سرمایه به شکل ریال، در مقابل مجموعه‌ای از متغیرهای تورم‌زا و ارزی، همچنان استراتژی قابل دفاعی به نظر نمی‌رسد.

تولید جان گرفت، اما مشتری نیست

شامخ اقتصاد در رکود ماند

تعادل |

شامخ مردادماه تصویری دوگانه از اقتصاد ایران ارایه می‌دهد؛ در حالی که شاخص کل اقتصاد با سقوط به ۴۶.۹ برای هفدهمین ماه متوالی زیر مرز ۵۰ ماند، بخش صنعت تا آستانه ورود به محدوده رونق پیش رفت و شاخص تولید محصولات برای نخستین‌بار پس از مدت‌ها به ۵۱ رسید. با این حال، ضعف سفارش‌های جدید و فروش، کاهش موجودی مواد اولیه، رشد هزینه نهاده‌ها و افت انتظارات فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که افزایش تولید هنوز به معنای بازگشت تقاضا و خروج پایدار از رکود نیست.

شامخ اقتصاد دوباره عقب نشست

آخرین گزارش شاخص مدیران خرید (شامخ) مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نشان می‌دهد فعالیت اقتصادی در مردادماه همچنان در مسیر انقباضی قرار داشته است. شامخ کل اقتصاد که در تیرماه با تعدیل فصلی به ۴۸.۶ رسیده بود، در مردادماه به ۴۶.۹ کاهش یافت و برای هفدهمین ماه متوالی زیر مرز خنثی ۵۰ باقی ماند.

کاهش شامخ در مردادماه تنها به افت تقاضا محدود نبود. هم‌زمانی کاهش سفارش‌های جدید و فروش با افت موجودی مواد اولیه و افزایش هزینه نهاده‌ها، فشار بیشتری بر بنگاه‌ها وارد کرده است. از سوی دیگر، کاهش انتظارات فعالان اقتصادی برای ماه آینده نیز از افزایش نااطمینانی نسبت به مسیر فعالیت اقتصادی حکایت دارد. شاخص میزان تولید محصول یا ارایه خدمت نیز از ۵۱.۶ در تیرماه به ۴۷.۸ در مرداد کاهش یافت و بار دیگر وارد محدوده انقباضی شد. در همین حال، شاخص سفارش‌های جدید مشتریان از ۴۸.۷ به ۴۷.۵ رسید و برای هفدهمین ماه متوالی زیر مرز ۵۰ قرار گرفت. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران کاهش قدرت خرید، رکود در برخی بازارها و احتیاط مشتریان در خرید و سرمایه‌گذاری را از عوامل اصلی ضعف سفارش‌ها عنوان کرده است. تداوم این وضعیت می‌تواند توان بنگاه‌ها برای افزایش تولید، جذب نیروی جدید و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری را محدود کند.

مواد اولیه؛ گلوگاه تولید

در میان شاخص‌های مردادماه، وضعیت موجودی مواد اولیه یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فشار بر بخش تولید است. این شاخص در کل اقتصاد به ۳۹.۳ رسید؛ پایین‌ترین سطح چهار ماه اخیر و شانزدهمین ماه متوالی کاهش موجودی مواد اولیه. مشکلات تخصیص ارز، دشواری واردات، توقف کالا در گمرک و مرزها، اختلال در حمل‌ونقل و افزایش هزینه‌های لجستیک از جمله عواملی هستند که در گزارش اتاق ایران به عنوان موانع زنجیره تأمین مطرح شده‌اند.

به این ترتیب، بنگاه‌ها همزمان با دو مساله روبرو هستند: از یک سو مشتریان با قدرت خرید پایین‌تر و احتیاط بیشتر مواجه‌اند و از سوی دیگر، تأمین مواد اولیه برای تولید دشوارتر و پرهزینه‌تر شده است.

فشار هزینه‌ها نیز در مردادماه افزایش یافت. شاخص قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده با رسیدن به ۸۷.۲، بالاترین سطح سه ماه اخیر را ثبت کرد. شاخص قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارایه‌شده نیز به ۶۳.۱ رسید و در بالاترین سطح سه ماه اخیر قرار گرفت.

افزایش هزینه مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل و سایر نهاده‌ها در شرایطی رخ داده که تقاضای بازار همچنان ضعیف است. در چنین وضعیتی، امکان انتقال کامل افزایش هزینه‌ها به قیمت فروش محدود می‌شود و فشار بر حاشیه سود بنگاه‌ها افزایش می‌یابد.

صنعت یک قدم تا مرز رشد

بازار کار نیز از این وضعیت در امان نمانده است. شاخص استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در مردادماه ۴۷.۳ ثبت شد و برای پانزدهمین ماه متوالی زیر مرز ۵۰ باقی ماند. ضعف فروش، محدودیت نقدینگی، افزایش هزینه تولید و نااطمینانی نسبت به آینده از عواملی هستند که بنگاه‌ها را در جذب نیروی جدید محتاط کرده‌اند. ادامه این شرایط می‌تواند ظرفیت ایجاد اشتغال در بخش رسمی اقتصاد را محدود کند. در میان ارقام شامخ مردادماه، بخش صنعت تصویر متفاوتی ارایه می‌کند. شامخ صنعت با تعدیل فصلی از ۴۸.۵ در تیرماه به ۴۹.۸ در مرداد رسید و فاصله خود با مرز ۵۰ را به حداقل رساند. مهم‌تر از شامخ صنعت، تغییر شاخص مقدار تولید محصولات است. این شاخص با ثبت عدد ۵۱.۰ برای نخستین‌بار پس از یک دوره طولانی وارد محدوده رشد شد؛ اتفاقی که می‌تواند نشانه‌ای از بازگشت بخشی از فعالیت تولیدی باشد. با این حال، سایر شاخص‌های صنعت هنوز از یک بهبود فراگیر حکایت نمی‌کنند. سفارش‌های جدید با عدد ۴۹.۸ همچنان عملاً در مرز رکود و رونق قرار دارد، فروش محصولات ۴۸.۴ و موجودی مواد اولیه ۴۱.۹ ثبت شده است. شاخص استخدام نیروی انسانی نیز با ۴۷.۵ همچنان زیر مرز ۵۰ قرار دارد.

تولید بالا رفت؛ تقاضا هنوز نه

شاید مهم‌ترین نکته شامخ مردادماه همین فاصله میان تولید و تقاضا باشد. تولید صنعتی به محدوده رشد رسیده، اما سفارش‌های جدید و فروش هنوز افزایش معناداری را نشان نمی‌دهند. افزایش تولید در این شرایط می‌تواند ناشی از استفاده بیشتر از ظرفیت‌های موجود، تکمیل سفارش‌های قبلی یا بازگشت فعالیت واحدهایی باشد که در ماه‌های گذشته با اختلال مواجه بوده‌اند. بنابراین، برای اینکه رشد تولید به یک روند پایدار تبدیل شود، افزایش سفارش‌ها، فروش و دسترسی منظم به مواد اولیه ضروری است.

صادرات صنعت همچنان در رکود

در بخش صادرات نیز نشانه‌ای از بازگشت به محدوده رونق دیده نمی‌شود. شاخص صادرات کالا در بخش صنعت در مردادماه ۴۷.۳ بود و برای بیست‌ودومین ماه متوالی زیر مرز ۵۰ باقی ماند. محدودیت‌های مالی و ارزی، مشکلات حمل‌ونقل، اختلال در مسیرهای تجاری و کاهش رقابت‌پذیری صادراتی از جمله موانعی هستند که در گزارش اتاق ایران برای وضعیت صادرات مطرح شده‌اند. تداوم این شرایط می‌تواند حفظ بازارهای خارجی را برای برخی تولیدکنندگان دشوارتر کند و مانعی در برابر تداوم رشد تولید صنعتی باشد.

کدام صنایع جلوتر حرکت کردند؟

عملکرد زیربخش‌های صنعتی در مردادماه یکسان نبود. در میان صنایع مورد بررسی، شامخ تعدیل‌شده صنایع کانی غیرفلزی ۵۷.۷، نساجی ۵۵.۸، ماشین‌سازی و لوازم خانگی ۵۵.۶، چوب، کاغذ و مبلمان ۵۵.۳ و صنایع فلزی ۵۳.۸ ثبت شد. در مقابل، صنایع شیمیایی با ۴۲.۹، فرآورده‌های نفت و گاز با ۴۴.۷، وسایل نقلیه و قطعات وابسته با ۴۵.۷ و صنایع غذایی با ۴۶.۷ در محدوده انقباضی قرار گرفتند. «سایر صنایع» نیز با ثبت عدد ۲۸ ضعیف‌ترین عملکرد را در میان زیربخش‌های بررسی‌شده داشت. بنابراین نزدیک‌شدن شامخ کل صنعت به مرز ۵۰ را نمی‌توان به‌معنای بهبود یکسان در همه رشته‌های صنعتی دانست؛ شرایط تولید همچنان به نوع صنعت، بازار فروش و میزان دسترسی به نهاده‌ها وابسته است.

چشم‌انداز بنگاه‌ها تیره‌تر شد

یکی از مهم‌ترین هشدارهای شامخ مردادماه، کاهش شدید انتظارات فعالان اقتصادی برای ماه آینده است. شاخص انتظارات در کل اقتصاد از ۵۴.۴ در تیرماه به ۴۴.۴ در مرداد کاهش یافت و به پایین‌ترین سطح چهار ماهه پس از پایان جنگ رسید. در بخش صنعت نیز انتظارات تولید برای ماه آینده از ۵۲ در تیرماه به ۴۸.۹ کاهش پیدا کرد. قطعی برق، دشواری تأمین مواد اولیه و ابهام درباره شرایط اقتصادی و سیاسی از جمله ریسک‌هایی هستند که فعالان اقتصادی نسبت به آنها ابراز نگرانی کرده‌اند.

افت انتظارات اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تصمیم بنگاه‌ها درباره تولید، استخدام و سرمایه‌گذاری تنها به وضعیت فعلی بازار وابسته نیست و چشم‌انداز ماه‌های آینده نیز در این تصمیم‌ها نقش تعیین‌کننده دارد.

شامخ مرداد چه می‌گوید؟

داده‌های مردادماه تصویری یکدست از اقتصاد ایران ارایه نمی‌کنند. در سطح کل اقتصاد، شامخ ۴۶.۹ و تداوم هفدهمین ماه انقباض نشان می‌دهد که بهبود محدود تیرماه دوام نیاورده است. در صنعت اما عدد ۴۹.۸ و رسیدن شاخص تولید به ۵۱، نشانه‌ای از افزایش فعالیت تولیدی در بخشی از بنگاه‌هاست. با این حال، سفارش‌های جدید، فروش، صادرات و موجودی مواد اولیه هنوز با این افزایش تولید همراه نشده‌اند. به همین دلیل، عبور احتمالی شامخ صنعت از مرز ۵۰ به‌تنهایی برای ارزیابی بازگشت پایدار صنعت کافی نیست.

مساله اصلی در ماه‌های آینده این است که آیا افزایش تولید می‌تواند در کنار رشد سفارش‌ها و فروش ادامه پیدا کند یا با تداوم ضعف تقاضا و مشکلات زنجیره تأمین متوقف خواهد شد.

در مجموع، شامخ مردادماه اقتصادی را نشان می‌دهد که همچنان با رکود، ضعف تقاضا و فشار هزینه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ در عین حال، صنعت نخستین نشانه جدی از بازگشت تولید را نشان داده است. دوام این نشانه به تقاضای بازار، تأمین مواد اولیه، هزینه تولید و میزان اطمینان بنگاه‌ها نسبت به آینده وابسته خواهد بود.

نمودار ۱: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد

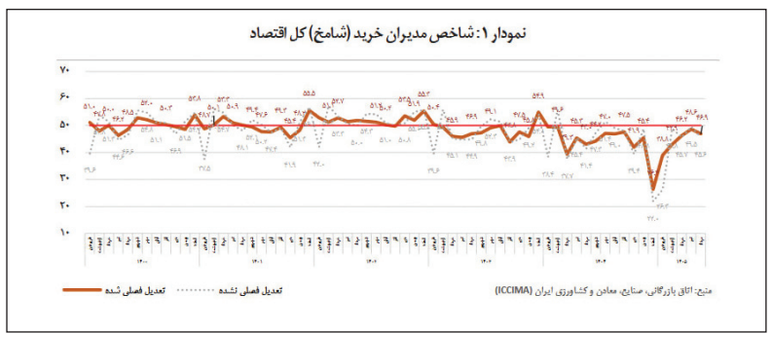

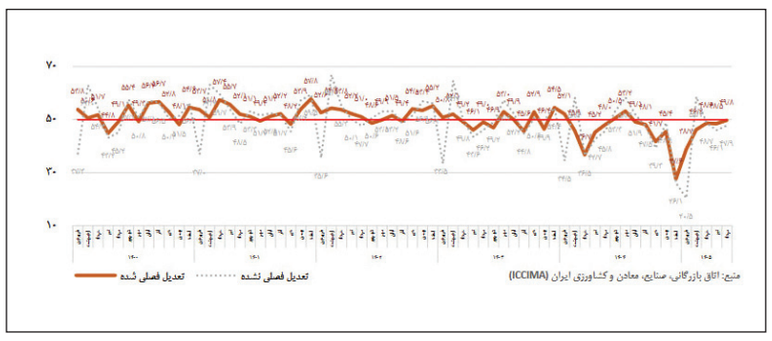

برنامه جدید دولت برای رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان

رییس سازمان توسعه تجارت ایران گفت: در مقرراتی که از سوی سازمان صادر شده، تلاش شده مهلت‌های لازم برای اطلاع‌رسانی به بخش خصوصی رعایت شود تا فعالان اقتصادی فرصت کافی برای تطبیق فعالیت‌های خود با مقررات جدید داشته باشند.

محمدعلی دهقان‌دهنوی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت شب گذشته در حاشیه نشست وزیر صمت با فعالان اقتصادی خراسان رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم از مشهد با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای حمایت از صادرکنندگان، اظهار کرد: بسته جدید حمایتی تهیه و به دولت ارایه شده و یکی از محورهای آن، جبران بخشی از هزینه‌هایی است که در نتیجه افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل به صادرکنندگان تحمیل شده است. اجرای این پیشنهادها پس از دریافت مصوبه دولت امکان‌پذیر خواهد بود.

وی در ادامه از تصویب سازوکار مصالحه ریالی تعهدات ارزی مربوط به سال ۱۴۰۰ و سال‌های پیش از آن خبر داد و افزود: این مصوبه تعهدات ارزی سال ۱۴۰۰ و قبل از آن را پوشش می‌دهد و اقدامات فنی لازم برای اجرایی شدن آن در سامانه در حال انجام است. انتظار می‌رود این سازوکار در آینده نزدیک عملیاتی شود. دهقان‌دهنوی درباره نحوه تسهیل رفع تعهدات ارزی صادرات سال‌های بعد نیز گفت: برای کوتاژهای صادراتی مربوط به سال ۱۴۰۱ و سال‌های پس از آن، در صورتی که بیش از ۱۵ ماه از تاریخ کوتاژ گذشته باشد و کالای صادرکننده در گمرک موجود باشد، امکان استفاده از این کوتاژها برای واردات در نظر گرفته شده است و بخش فناوری اطلاعات بانک مرکزی در حال آماده‌سازی زیرساخت لازم برای اجرای این سازوکار است. رییس سازمان توسعه تجارت ایران یکی دیگر از اقدامات مورد پیگیری را فراهم کردن امکان معامله مستقیم ارز میان صادرکننده و واردکننده عنوان کرد و گفت: دست‌کم در مورد کالاهای گروه دوم، ایجاد چنین امکانی می‌تواند انگیزه صادرکنندگان برای ادامه فعالیت صادراتی را افزایش دهد. وی ادامه داد: موضوع احیای امکان خرید اسکناس ارز از سوی بانک مرکزی نیز پیگیری شده است. علاوه بر این، سازوکاری در حال طراحی است که بر اساس آن بانک‌ها ارز صادرکنندگان را خریداری و در اختیار واردکنندگان قرار دهند تا از این مسیر، فرآیند رفع تعهد ارزی صادرکنندگان نیز تسهیل شود.

دهقان‌دهنوی با اشاره به محدودیت منابع ارزی کشور اظهار کرد: در سال جاری، تأمین مواد اولیه و کالاهای ضروری مورد نیاز صنعت در اولویت قرار گرفته است. در کنار آن، برای تأمین مواد اولیه سایر صنایع نیز استفاده از سپرده‌های ارزی خود فرد و سپرده‌های ارزی دیگران تسهیل شده است. وی با اشاره به فرآیند بهینه‌سازی تخصیص ارز تصریح کرد: در حال حاضر این فرآیند به ارز مرکز مبادله محدود می‌شود و ارز حاصل از صادرات خود فرد یا صادرات دیگران از شمول آن خارج است؛ بنابراین تولیدکنندگان و واردکنندگان می‌توانند از ظرفیت ارز حاصل از صادرات برای تأمین نیازهای خود استفاده کنند. رییس سازمان توسعه تجارت ایران همچنین از سیستمی شدن روند اولویت‌بندی درخواست‌های تخصیص ارز در وزارت صمت خبر داد و گفت: ممکن است به دلیل کمبود یک کالای خاص، کل گروه کالایی آن در اولویت تأمین ارز قرار گیرد، اما پس از تعیین اولویت گروه، انتخاب متقاضیان به صورت دستی انجام نمی‌شود و سامانه بر اساس تاریخ‌های ثبت‌شده، ترتیب درخواست‌ها را مشخص می‌کند. وی افزود: با سیستمی شدن این روند، میزان دخالت انسانی در فرآیند انتخاب متقاضیان به شکل محسوسی کاهش یافته است و ترتیب درخواست‌ها بر مبنای اطلاعات ثبت‌شده در سامانه تعیین می‌شود.

دهقان‌دهنوی در بخش دیگری از سخنان خود به مشکلات مالیاتی فعالان اقتصادی اشاره کرد و گفت: در همین راستا با وزیر امور اقتصادی و دارایی مکاتبه شده تا نرخ اسکناس ارز اعلامی بانک مرکزی به عنوان مبنا در محاسبات سازمان امور مالیاتی قرار گیرد. هدف از این پیگیری، کاهش مشکلات مالیاتی فعالان اقتصادی و ایجاد مبنای مشخص‌تر در محاسبات مربوط به ارز است.

وی همچنین تسهیل رویه‌های مرتبط با منشأ ارز را از دیگر موضوعات مورد پیگیری دانست و تاکید کرد: پیشبرد این موضوع نیازمند همکاری بیشتر بانک مرکزی است.

رییس سازمان توسعه تجارت ایران در ادامه با اشاره به ضرورت پیش‌بینی‌پذیری مقررات برای فعالان اقتصادی اظهار داشت: طی دو سال گذشته، در مقرراتی که از سوی سازمان صادر شده، تلاش شده مهلت‌های لازم برای اطلاع‌رسانی به بخش خصوصی رعایت شود تا فعالان اقتصادی فرصت کافی برای تطبیق فعالیت‌های خود با مقررات جدید داشته باشند. وی خاطرنشان کرد: با این حال، در برخی موارد سازمان توسعه تجارت صرفاً ابلاغ‌کننده مصوبات دستگاه‌های دیگر است و ممکن است در فرآیند تصویب آن مصوبات، مهلت‌های لازم برای اطلاع‌رسانی رعایت نشده باشد. رویکرد ما حفظ ثبات مقررات و اتخاذ تصمیم‌هایی است که فعالیت بخش خصوصی و تجارت خارجی کشور را تسهیل کند.

اخبار

اسقاط کامیون‌های بالای ۵۰ سال با پاداش ۱۵ هزار دلاری

مدیر توسعه و نوسازی ناوگان راهداری گفت: مالکان کامیون‌های بالای ۵۰ سال با ظرفیت بیش از ۲۰ تن، علاوه بر گواهی اسقاط، ۱۵ هزار دلار پاداش می‌گیرند، شیوه اجرای طرح احتمالا مهرماه ابلاغ می‌شود.

مهدی قلی‌زاد، مدیر توسعه و نوسازی ناوگان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره جزییات بسته حذف کشنده‌های فرسوده بالای ۵۰ سال و پرداخت پاداش ۱۵ هزار دلاری به مالکان این ناوگان، گفت: بر اساس پیشنهاد مطرح‌شده، علاوه بر گواهی اسقاط، مبلغی معادل ۱۵ هزار دلار از محل صرفه‌جویی سوخت به مالک ناوگان فرسوده با ظرفیت بالای ۲۰ تن و عمر بیش از ۵۰ سال پرداخت می‌شود تا این خودروها از چرخه حمل‌ونقل خارج شوند.

وی افزود: اجرای این طرح در مرحله نخست نیازمند صدور مجوز از سوی ستاد بهینه‌سازی انرژی و مدیریت راهبردی انرژی است. مجوز اجرای آن در اصلاح آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ پیش‌بینی شده است، اما قرار است شیوه‌نامه اجرایی نحوه اجرای طرح از سوی ستاد بهینه‌سازی انرژی و مدیریت راهبردی انرژی به سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای ابلاغ شود.

مدیر توسعه و نوسازی ناوگان راهداری بیان کرد: جلسات کارشناسی مربوط به این طرح برگزار شده است و پس از پایان این جلسات، جمع‌بندی نهایی انجام خواهد شد؛ احتمالا شیوه‌نامه اجرایی طرح در مهرماه ابلاغ می‌شود.

۴۰ درصد بنزین کشور در باک خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده!

۱۴ میلیون خودروی سواری و موتورسیکلت فرسوده در کشور، سالانه نزدیک به ۲۰ میلیارد لیتر بنزین مصرف می‌کنند؛ رقمی معادل ۴۰ درصد کل مصرف بنزین کشور که همزمان به تشدید ناترازی سوخت و آلودگی هوا در کلان‌شهرها دامن می‌زند. در این میان، تعلل در نوسازی و جایگزینی این ناوگان می‌تواند بحران بنزین و آلودگی هوا را به دنبال داشته باشد. به گزارش ایسنا، براساس داده‌ها و آمارهای موجود، نزدیک به حدود ۱۴ میلیون دستگاه خودروی سواری و موتورسیکلت فرسوده در کشور، سالانه نزدیک ۲۰ میلیارد لیتر بنزین مصرف می‌کنند که همین تعداد ۴۰ درصد از سهم مصرف روزانه بنزین را به خود اختصاص داده است. طبق آمارها، کل مصرف بنزین کشور سالانه حدود ۴۹.۳ میلیارد لیتر است که بر پایه مصرف روزانه به صورت میانگین ۱۳۵ میلیون لیتر مصرف را شامل می‌شود که سهم فرسوده‌ها از این مصرف بسیار چشمگیر است؛ به‌ویژه در بخش خودرو سواری براساس داده‌های موجود بیش از دو میلیون و ۶۰۰ هزار دستگاه با پیمایش سالانه ۲۰ هزار کیلومتری به‌طور متوسط به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر ۱۶ لیتر بنزین مصرف می‌کنند که در مجموع سالانه حدود ۸.۳ میلیارد مصرف لیتر بنزین را شامل می‌شود. در میان موتورسیکلت‌ها نیز بیش از ۱۱ میلیون دستگاه فرسوده با پیمایش سالانه ۱۵ هزار کیلومتر و متوسط مصرف ۷ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر، سالانه نزدیک به ۱۲ میلیارد لیتر بنزین را مصرف می‌کنند.

این در حالی است که طبق برآوردها، میزان آلایندگی هر موتورسیکلت کاربراتی معادل هفت دستگاه خودرو است. اخیرا محمدصادق حاتمی - مدیر ستاد نوسازی ناوگان و اسقاط خودرو - گفته بود حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار خودروی سواری فرسوده، نزدیک به ۷۰۰ هزار وانت فرسوده و ۱۶ هزار دستگاه کامیون کشنده با سن بالای ۵۰ سال در کشور وجود دارند که در اولویت نوسازی هستند و در بخش موتورسیکلت نیز بین ۵ تا ۸ میلیون دستگاه فرسوده در حال تردد برآورد می‌شود. حاتمی همچنین مصرف سوخت حدود ۱۴ میلیون وسیله فرسوده را معادل ۱.۵ برابر ناترازی روزانه بنزین کشور دانست و گفت: اگر تنها یک میلیون خودروی سواری فرسوده نوسازی و جایگزین شود، سالانه حدود ۱.۲ میلیارد لیتر کاهش مصرف و اگر ۴ میلیون موتورسیکلت فرسوده نیز از رده خارج و با نمونه‌های نو (به‌ویژه کم‌مصرف یا برقی) جایگزین شوند، حدود ۲.۱ میلیارد لیتر صرفه‌جویی به دست می‌آید. به گفته وی در طول ۲۰ سال گذشته مجموعا دو میلیون و ۶۷۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شده و تنها در دوره سه‌ساله اخیر، ۶۸۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط که معادل ۲۵ درصد کل عملکرد ۲۰ سال گذشته کشور است، صورت گرفته و این حجم از اسقاط موجب صرفه‌جویی نزدیک به دو میلیارد لیتر سوخت در کشور و بازگشت ۴۴۰ هزار تن مواد اولیه شامل مس، آلومینیوم، فولاد، لاستیک و پلاستیک به چرخه تولید صنایع، به‌ویژه صنایع فولادی اصفهان شد که ارزش اقتصادی این بازیافت و صرفه‌جویی بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان (۲۰ همت) برآورد می‌شود. بنابراین در مجموع، نوسازی هدفمند پنج میلیون دستگاه می‌تواند سالانه حدود ۳.۳ میلیارد لیتر بنزین صرفه‌جویی ایجاد کند.

از همین رو سیاست اسقاط و جایگزینی با خودروهای کم‌مصرف و استاندارد، یک اقدام صرفا خودرویی نیست؛ بلکه یکی از سریع‌ترین راهکارها برای کاهش مصرف بنزین، مهار ناترازی سوخت و حرکت به سمت بهره‌وری انرژی محسوب می‌شود.

بنابراین از منظر سیاست‌گذاری، این ارقام یک پیام روشن دارد؛ یعنی نوسازی ناوگان فرسوده فقط یک اقدام حمل‌ونقلی نیست، بلکه باید یک پروژه ملی مدیریت انرژی باشد که همزمان چند خروجی راهبردی یعنی کاهش مصرف و مهار ناترازی بنزین، کاهش هزینه‌های تامین سوخت، کاهش آلایندگی و بهبود کیفیت هوا و ارتقای ایمنی، دارد. به بیان دیگر، وقتی بخش بزرگی از مصرف کشور در خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده متمرکز شده، تسهیل اسقاط، تامین مالی و تسریع جایگزینی با ناوگان نو می‌تواند سریع‌تر از بسیاری از راه‌حل‌های دیگر، اثری ملموس بر ناترازی در مصرف بنزین برجای بگذارد.